

Re-reading the waqf nameh of Malek, daughter of Mirza Sadegh Monjjem Bashi, for the Ta'ziyyeh ceremony of the Khames of Aale Aba

Matin Sadat Eslahi*

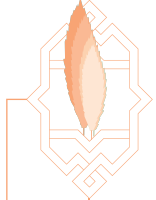
Abstract

Waqf is one of the most desirable traditions in Islam that has many social and spiritual effects on society and is one of the most effective tools for sustainable development of society, meeting needs and strengthening long-term infrastructure in society. Throughout history, moqafat have played a key role in the progress of society, and each of them has been able to solve many of society's problems. Waqf nameh is an official document through which the waqif dedicates his property. In fact, the waqif permanently allocates a portion of his or her property for public use or for a specific group in the way of God and prevents its sale or transfer. Waqf namehs come in various forms, each of which reflects the social and cultural conditions of a society. During the Qajar period, Waqf namehs had various functions, with religious themes being one of the most important. The daughter of Mirza Sadegh Monjjem Bashi (wife of Agha Bozurg Rashti) has waqf a mosque for the Ta'ziyyeh ceremony of the Khames of Aale Aba. In addition to analyzing the role of women in the development of waqf culture during the Qajar period, the present study Re-reading the waqf nameh of Malek, daughter of Mirza Sadegh Monjjem Bashi, for the Ta'ziyyeh ceremony of the Khames of Aale Aba. The research method is descriptive-analytical and based on library resources and archival documents.

Key words: Qajar period, endowment letter, Monjam Bashi family, women.

* PhD student in the history of Islamic Iran, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

eslahimatin6@gmail.com



تجديد النظر فى رسالة الوقف لملك بنت ميرزا صادق منجم باشي لاقامة مجالس العزاء على خامس آل العباء

متين سادات اصلاحى*

الخلاصة

يُعدّ الوقف من أسْمى الشعائر الإسلامية، لما له من آثار اجتماعية وروحية جمة على المجتمع، وهو من أنجع أدوات التنمية المستدامة التي تُلبي احتياجاته، من جهة أخرى يُعزّز بنية المجتمع التحتية طويلة الأمد. وقد لعبت الأوقاف، عبر التاريخ، دورًا محوريًا في تقدّم المجتمع، وتمكّن من حلّ العديد من مشاكله. تعتبر رسائل الوقف بمثابة وثيقة رسمية تقدم من خلالها المتبرع بممتلكاته وأصوله. في الواقع فإن الوقف يخصص جزءاً من ماله بشكل دائم للمنفعة العامة أو لفئة معينة في سبيل الله ويمنع بيعه أو نقله. تكون رسائل الوقف في أشكال مختلفة، يعكس كل منها الظروف الاجتماعية والثقافية للمجتمع. خلال فترة القاجار، كان لرسائل الوقف وظائف مختلفة، وكانت الموضوعات الدينية واحدة من أهمها. ابنة ميرزا صادق نجم باشي (زوجة آغا بزرك رشتي) وهبت ملك لغرض أداء التعزية لخامس آل العباء. بالإضافة إلى تحليل دور المرأة في تنمية ثقافة الوقف خلال العصر القاجاري، تُعيد هذه الدراسة النظر في وقفية ملك، ابنة ميرزا صادق منجم باشي لمجالس عزاء خامس آل العباء. منهج البحث وصفي تحليلي، ويعتمد على مصادر مكتوبة و وثائق أرشيفية. تُظهر نتائج الدراسة أن ابنة ميرزا صادق منجم باشي قد جسّدت العلاقة بين المجالين الخاص والعام بتخصيص ممتلكاتها لمواساة الإمام الحسين (عليه السلام). وقد عبّرت هذه الأفعال، من جهة، عن فعاليتها الدينية والاقتصادية، ومن جهة أخرى، لعبت دورًا محوريًا في استمرار ثقافة عاشوراء وانتشارها في المجتمع.

كلمات مفتاحية: العصر القاجاري، رسالة الوقف، عائلة منجم باشي، النساء، العزاء على خامس آل العباء.

* طالب دكتوراه في تاريخ إيران الإسلامية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران.
eslahimatin6@gmail.com

بازخوانی وقف نامه ملک دختر میرزا صادق منجم باشی جهت تعزیه داری خامس آل عبا

متین سادات اصلاحی*

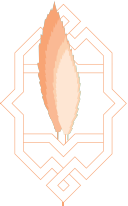


چکیده

وقف یکی از سنت های پسندیده در اسلام است که آثار اجتماعی و معنوی بسیاری در جامعه دارد و یکی از موثرترین ابزارها برای توسعه پایدار جامعه است که نیازها را برطرف می‌سازد و از سویی دیگر زیرساخت های بلند مدت در جامعه را تقویت می‌نماید. در طول تاریخ موقوفات نقش کلیدی در پیشرفت جامعه داشتند و هرکدام از آن‌ها توانسته‌اند بسیاری از معضلات جامعه را حل نمایند. وقف نامه‌ها به عنوان یک سند رسمی است که واقف از طریق آن مال و دارایی خود را وقف می‌کند. در واقع واقف بخشی از دارایی خود را به صورت دائمی برای استفاده عموم و گروه خاصی در راه خدا اختصاص می‌دهد و از فروش یا انتقال آن جلوگیری می‌نماید. وقف نامه‌ها صورت‌های گوناگونی دارند که هرکدام از آن‌ها گویای شرایط اجتماعی و فرهنگی یک جامعه می‌باشد. در دوره قاجار وقف نامه‌ها کارکردهای متنوعی داشتند که مضامین مذهبی یکی از مهمترین موضوعات به شمار می‌رفت. دختر میرزا صادق منجم باشی (همسر آقا بزرگ رشتی) ملکی را جهت تعزیه داری خامس آل عبا وقف نموده است. پژوهش حاضر علاوه تحلیل نقش زنان در گسترش فرهنگ وقف در دوره قاجار به بازخوانی وقف نامه ملک دختر میرزا صادق منجم باشی جهت تعزیه داری خامس آل عبا می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دختر میرزا صادق منجم باشی با وقف ملک خود برای عزاداری امام حسین علیه السلام، پلی میان فضای خصوصی و عمومی ایجاد نمود. این اقدامات، از سویی بیانگر عاملیت مذهبی و اقتصادی آنان بود و از سوی دیگر، نقشی کلیدی در تداوم و گسترش فرهنگ عاشورا در جامعه ایفا کرد.

واژگان کلیدی: دوره قاجار، وقف نامه، خاندان منجم باشی، زنان، عزاداری خامس آل عبا.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
gmail.com@eshahimatin6



مقدمه

وقف را می‌توان در چارچوب نظریه‌های کنش حمایتی و دگرخواهانه و مبادله تعیین نمود. کنش حمایتی و دگرخواهانه نوعی کنش اجتماعی است که در آن فرد بیش از تعهداتش عمل کند، به نحوی که منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد. یا حداقل، نسبت به منافع دیگران به اندازه منافع خود احساس تعهد و مسئولیت کند در صورتی که چنین امری تحقق یابد خود زمینه‌ای را فراهم سازد که در آن انسانیت اهمیت پیدا می‌کند و انسان‌ها مورد عزت و احترام قرار می‌گیرند. همچنین نزدیکی انسان‌ها به‌عنوان موجوداتی مشارکت جو، نوع دوست و دگرخواه مورد توجه قرار می‌گیرد. نمودهای عینی کنش دگرخواهانه چه با رویکرد انگیزه‌ای و چه با رویکرد رفتاری معمولاً در رفتارهای نوع دوستانه، کمک به نیازمندان و حمایت از مستمندان منعکس می‌شود (شکوری، ۱۳۹۰: ۳۱).

در اصطلاح فقها، وقف تحبیس اصل و اطلاق منفعت یا تحبیس اصل و تسبیل ثمره معنی شده و در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده است که وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۱۶). موقوفات یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی و مذهبی در جامعه ایران محسوب می‌شود که بررسی هر کدام از آن‌ها می‌تواند زوایای گوناگونی را بر ما روشن سازد. در جهان اسلام وقف راحت‌ترین و عمومی‌ترین سنتی است که نفوذ آن را در زندگی روزمره انسان‌ها سراغ داریم و از مختصات نظام حقوقی و اقتصادی اسلام است که به‌صورت تکامل یافته‌ای درآمده و جوامع اسلامی را دوام و قوام بخشیده و حتی برخی از پژوهشگران نقش آن را چنان وسیع می‌دانند که آن را به‌عنوان یک «نظام» تلقی می‌کنند؛ نظام به این عنوان که وقف تمام ابعاد و جنبه‌های مختلف یک جامعه انسانی را شامل می‌شود و کمتر اموری از جامعه را می‌توان یافت که از پوشش نظام وقف خارج باشد (محمدی ۱۳۷۹، ۹۵). وقف در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است و واقف و وقف کننده به کسی گفته می‌شود که بخشی از دارایی خود را برای مقاصد مذهبی، آموزشی یا اجتماعی وقف می‌کند. در جامعه ایران، وقف نقش تاریخی و فرهنگی مهمی دارد که اغلب به حمایت از مساجد، مدارس و بیمارستان‌ها مرتبط است. این اقدام به افراد اجازه می‌دهد تا در رفاه جامعه شریک و در عین حال به دنبال پاداش‌های معنوی نیز باشند. علاوه بر آن، وقف می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای توزیع ثروت و به نفع نیازمندان باشد. فرهنگ وقف، فرهنگی عمیق، متنوع، متعدد و متکثر است

که در طول زمان می‌تواند نسبت به تولید مفاهیم فرهنگی گوناگونی و گاهی متفاوت نیز منجر شود. فرهنگ وقف، نوعی از اخلاق است که متکی بر ارزش‌های اسلامی است که منجر به تولید اخلاق وقف در جامعه می‌شود (ماهرویی، ۱۴۰۲: ۱۹۸). وقف که کاملاً با اهداف اسلامی مطابقت دارد به‌عنوان یک تأسیس اجتماعی پذیرفته شده و پیامبر و پیشوایان دیگر دین اسلام سفارش بسیاری به صدقات جاریه و خیرات و مبرات کرده‌اند. مسلمانان بشردوست این عمل خیر را باقیات و الصالحات نام نهاده و آن را موجب بقای نام و نشان در این جهان و دریافت پاداش فراوان و آمرزش در آن جهان دانسته‌اند. یکی از مهم‌ترین تمهیدات دین اسلام در زمینه دوراندیشی و تأمین آینده مسلمانان و فرزندانشان پایه‌ریزی سنت حسنه وقف است، چنان‌که وقتی به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و سنت عملی ایشان بنگریم، اهمیت دوچندان آن آشکار می‌شود (منافی شرف آباد و دیگران، ۱۳۹۳: ۵). بنابراین می‌توان گفت که مفهوم وقف عمیقاً در سنت اسلامی ریشه دارد و ارزش‌های خیریه و حمایت جامعه را منعکس می‌سازد. علاوه بر موارد فوق، بر طبق اصول و موازینی که از قرن‌ها پیش برای موقوفات در نظر گرفته شده است معمولاً ثروت‌های جامعه از یک طبقه به طبقات دیگر انتقال پیدا می‌کند و از مالکیت خصوصی به ثروت عمومی و عام‌المنفعه تبدیل و تغییر شکل می‌یابد و از منافع موقوفات زمینه‌های توسعه علم و دانش، بهداشت و رفاه عموم مردم فراهم گشته و با توجه به تنوع مصارف موقوفات می‌توان گفت تقریباً تمام نیازهای روز جامعه می‌تواند از این طریق تا حدی برطرف گردد (امیددانی، ۱۳۸۰: ۲۳۹). بنابراین در مجموع می‌توان گفت، وقف همچنان یکی از جنبه‌های مهم جامعه ایران است و بر ساختارهای اجتماعی و اعمال مذهبی تأثیر می‌گذارد. به معنایی دیگر، وقف، شکلی از خیریه در سنت اسلامی، با تعیین یک دارایی یا دارایی برای یک هدف خاص مذهبی، آموزشی یا اجتماعی عمل می‌کند و تضمین می‌کند که منافع آن در طول زمان پایدار می‌باشد. نظام وقف دربردارنده جنبه‌ها آثار مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که همه این‌ها بر یکدیگر تاثیر دارند و در بررسی مسئله وقف باید به همه این جنبه‌ها توجه کافی داشت. بنابراین تک‌جانبه نگری و فقدان توجه به جنبه‌ها و آثار دیگر، منجر به رشد نامتوازن در این حوزه می‌گردد (خوانساری، ۱۴۰۱: ۲۳). بنابراین مفهوم وقف، همچنان بخش مهمی از بشردوستی اسلامی است و ارزش‌های مسئولیت اجتماعی و حمایت جمعی را در بر می‌گیرد و نقش مهمی در جامعه ایران به ویژه در چارچوب اعمال خیریه اسلامی دارد. این شامل هدای دارایی یا



دارایی برای مقاصد مذهبی، آموزشی یا اجتماعی با هدف نفع جامعه است. وقف زمین یا ملک برای عزاداری نشان دهنده احترام و ارادت عمیقی است که پیروان آن حضرت نسبت به امام حسین علیه السلام دارند و در خدمت تقویت پیوندهای جمعی بین مؤمنان است. نیت وقف، چه مذهبی باشد چه کمک به مستمندان، چون بر پایه اعتقادات مذهبی متجلی شده است واقف از طریق وقف، اعتقادات مذهبی خود را پس از فوت خویش حفظ کرده و استمرار می‌بخشد (مولایی و مجد، ۱۴۰۱: ۴۹). بدین ترتیب درصد چشمگیری از مصارف موقوفات طبقات اجتماعی ایران برای اقامه عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام و به خصوص امام حسین علیه السلام اختصاص یافته است. در واقع می‌توان گفت اختصاص درصد زیادی از مصارف موقوفات به تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء علیه السلام گویای عمق ارادت و دلبستگی مردم ایران به حضرت و جایگاه مراسم عاشورای حسینی در اندیشه مذهبی آنان و اهتمام برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره آن امام از طریق اختصاص موقوفات برای گرامی داشت واقعه عاشورا است (آریان فر و نوروزی، ۱۴۰۲: ۱۸۱). زنان در دوره قاجار نیز نقش مهمی در مشارکت‌های اجتماعی و مذهبی ایفا می‌کردند و از این قاعده مستثنی نبودند. آنان با انجام موقوفاتی برای برگزاری مراسم تعزیه و عزاداری سیدالشهداء، سهم خود را در زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورایی ایفا می‌نمودند. در ادامه، به نمونه‌ها و جزئیات بیشتری پیرامون این اقدامات ارزشمند خواهیم پرداخت. بررسی موضوع وقف از زاویه‌های گوناگون اهمیت خاصی دارد؛ این پدیده نه تنها باید از منظر فقهی مورد ملاحظه قرار گیرد، بلکه تحلیل آن با رویکردهای تاریخی و اجتماعی نیز می‌تواند ابعاد جدیدی از این سنت دیرینه را آشکار کند. چنین نگاهی می‌تواند چشم‌اندازهای نوینی برای استفاده از منابع مشترک فراهم آورد و فرصت‌های تازه‌ای برای توسعه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند.

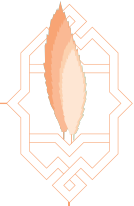
۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در حوزه وقف دوره قاجار انجام شده است که هر کدام از آن‌ها جنبه‌های مختلفی از آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. فردیار در مقاله «بررسی سند پیشگویی تاریخ پایان جنگ جهانی اول نوشته عبدالعلی نجم الدوله تبریزی و معرفی او» (۱۳۶۹) علاوه بر بررسی سند فوق یکی از افراد خاندان منجم شناس در دوره قاجار را معرفی می‌نماید. برای نمونه شاه حسینی در مقاله «سنجش تطبیقی وقف طی دوره های قاجاریه و پهلوی» (۱۳۹۰) اشاره می‌کند که وقف از دوره قاجار تا پهلوی روند تکاملی

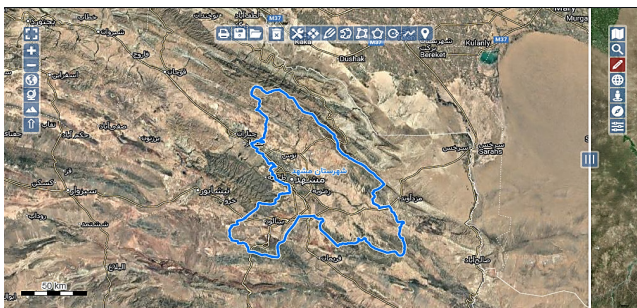
داشته و بیشتر بر پایه نشر دین اسلام با گرایش غالب به مذهب شیعه بوده است. گلی پور در پایان نامه «نهاد وقف در گیلان دوره قاجار» (۱۳۹۱)، موقوفات فرهنگی - مذهبی به مراتب بیشتر از رفاهی و اجتماعی بوده است و این نشانگر غالب بودن فضای مذهبی در آن استان بوده است. مرادعلیان در مقاله «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه» (۱۳۹۵) با بررسی ۶۶ سند و وقفنامه بیان می‌کند که اغلب وقفنامه‌های موجود در این دوره مربوط به مضامین مذهبی و کارکرد خیرخواهانه می‌باشد. شهیدی در کتاب «وقفنامه منیرالسلطنه (سندی ماندگار از زنان واقف دوره قاجار)» (۱۴۰۰) تنها به بازخوانی وقفنامه منیرالسلطنه یکی از زنان درباری دوره قاجار می‌پردازد و اشاره می‌کند که اصل این وقفنامه در مرکز آستان قدس رضوی موجود می‌باشد. با در نظر گرفتن تمامی موارد مذکور و نکات مطرح‌شده، باید گفت که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به‌طور خاص درباره وقفنامه ملک دختر میرزا صادق منجم‌باشی جهت تعزیه‌داری خامس آل عبا صورت نگرفته است. بنابراین موضوع فوق همچنان نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر و مطالعات جامع‌تری است تا اطلاعات بیشتری پیرامون آن بازگو شود و به روشن‌تر شدن زوایای تاریخی و اجتماعی مرتبط با این وقفنامه کمک کند.

۲. موقعیت جغرافیایی مشهد

جغرافیای تاریخی دانشی است که به بررسی و تحلیل تغییرات محیط جغرافیایی در طول دوره‌های تاریخی می‌پردازد. این شاخه از علم جغرافیا، تعامل میان انسان و محیط اطرافش را در گذشته مورد مطالعه قرار داده و تلاش می‌کند اثرات فعالیت‌های انسانی و تغییرات طبیعی بر چشم‌اندازها، مناطق و ساختارهای جغرافیایی را روشن کند. جغرافیای تاریخی به کمک اسناد تاریخی، نقشه‌ها، تصاویر قدیمی و سایر منابع، سیر تحول مکانی و زمانی را تحلیل کرده و درک بهتری از ارتباط میان جغرافیا و تاریخ ارائه می‌دهد. به همین منظور برای شناخت یک استان یا یک ناحیه و منطقه می‌بایست شناخت کاملی از وضعیت جغرافیایی آن ارائه شود. مشهد یکی از شهرستان‌های تابعه استان خراسان رضوی است که در شمال این استان قرار دارد. این شهرستان از شمال به کلات نادری، از غرب به چناران و نیشابور، از جنوب به تربت حیدریه و فریمان، و از شرق به تربت‌جام و سرخس محدود می‌شود. مساحت مشهد ۱۰۵۳۸ کیلومتر مربع بوده و در محدوده جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۶۱ درجه



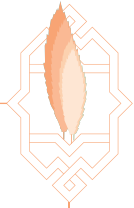
و ۱۴ دقیقه طول شرقی واقع شده است. مشهد همچنین مرکز استان خراسان رضوی به‌شمار می‌آید. این شهر دارای چهار بخش (مرکزی، احمدآباد، رضویه، طرهبه)، سیزده دهستان (از جمله تبادکان، طوس، کارده، کنویست، میان ولایت، درزآباد، پیوه‌ژن، سرجام، ابروان، پایین ولایت، میامی، شاندیز و طرهبه)، ۶۱۶ روستای دارای جمعیت و ۷۳۲ آبادی خالی از سکنه است. بخش‌های شمالی و جنوبی شهرستان عمدتاً کوهستانی بوده، در حالی که بخش‌های شرقی، غربی و مرکزی آن دشت‌های هموار را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین ارتفاعات این منطقه شامل کوه‌های بینالود با ارتفاعی حدود ۳۰۰۰ متر می‌شود که در جنوب مشهد قرار دارند و جهت‌گیری شمال غربی- جنوب شرقی دارند. در بخش شمالی شهرستان نیز کوه‌های کپه‌داغ قرار گرفته‌اند که بلندترین نقطه آن کوه هزار مسجد با ارتفاعی مشابه ۳۰۰۰ متر است. دشت‌های مشهد با ارتفاع متوسط ۷۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد از شیب ملایم شمال شرق به جنوب غرب برخوردارند. اقلیم این شهر معتدل بوده و مناطق دشتی آن تأثیر توده‌های هوایی گرم و خشک را تجربه می‌کنند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۴۳). این ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی در کنار موقعیت ارتباطی مشهد موجب شده تا شهر نقش محوری در حوزه‌های مختلف ایفا کند و همچنان به‌عنوان یکی از نقاط کانونی منطقه باقی بماند. هدف از بیان مقدمه‌ای پیرامون جغرافیای تاریخی مشهد در این پژوهش، مرتبط بودن محل وقف ذکر شده در وقف‌نامه ملک، دختر میرزا صادق منجم‌باشی، با ناحیه مشهد است. این وقف‌نامه که به‌منظور برگزاری مراسم تعزیه‌داری خامس آل عبا تنظیم شده، به ملکی در این منطقه اشاره دارد. هرچند واقف جزئیات دقیق و مشخصات کامل این ملک را بیان نکرده، اما به‌طور کلی موقعیت آن را در ناحیه مشهد ذکر کرده است.



نقشه توپوگرافی مشهد (www.topomap.ir)

۳. جایگاه زنان قاجار در وقف‌نامه‌های مذهبی

در دوره قاجار با تغییر نظام حاکمیتی و رویکرد آن به تجددخواهی و نوگرایی، نظام اجتماعی- فرهنگی در جامعه تغییراتی یافت و از جمله نهاد وقف به لحاظ مفهومی نهادی و مدنی بازتعریف شد. در این دوران نظام حکمرانی متأثر از پادشاهان قاجار در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی زمینه ساز تحولات بسیار گردید که به‌عنوان مثال عرصه وقف، موقوفات و واقفان زن را هم در بر گرفت. این فضا بستری مناسب را برای مشارکت زنان اقشار مختلف را فراهم نمود به‌گونه‌ای که تعداد بسیاری از موقوفات در این زمان به نام زنان ثبت گردید (افرافر، ۱۳۹۵: ۱۳). مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه افراد در رتق و فتق امور مختلف به‌ویژه در امور حمایتی و فقرزدایی، همواره بخشی از فعالیت‌های بشر را به خود اختصاص داده است. موضوعی که فراهم آورنده پایداری و بقای نظم و انسجام اجتماعی و به تبع آن تنظیم اجتماعی است. وقف یکی از راه‌های مشارکت اجتماعی است که گروه‌های اجتماعی از جمله زنان با انگیزه‌های مختلف، به آن می‌پردازند (شاه حسینی و معیری، ۱۳۹۸: ۱۴۹). گرایش زنان به وقف را در حوزه اجتماعی می‌توان تا حدودی بر مبنای انگیزه‌های جامعه شناختی در قالب رفتار جمعی تبیین و تعریف کرد. شدت و ضعف گرایش به وقف در دوره‌های مختلف نیز مرتبط است و عواملی همچون زمینه ساختاری، باور تعمیم یافته، بسیج برای اقدام و عملیات کنترل اجتماعی در مجالس روضه و عزاداری شکل گرفت که در دوره قاجار نیز نمود یافته است (شاطری و آرزومندان، ۱۳۹۱: ۱۰). اسناد موقوفات در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین منابع برای ترسیم اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی ایران در این دوره هستند. دربین اقشار و گروه‌های مختلف جامعه ایران که با انگیزه‌های متفاوت به وقف توجه داشته‌اند، زنان از اهمیت خاصی برخوردارند. بررسی مندرجات وقف‌نامه‌های زنان، هم از نظر آگاهی از میزان رواج وقف دربین زنان در این دوره و چگونگی وقف آن‌ها، و هم از جنبه تصویر بخش‌هایی از مشارکت زنان در امور اجتماعی دوره قاجار، دارای اهمیت است (نوروزی و دیگران، ۱۴۰۲: ۷۵). در دوره قاجار علاوه بر مردان، زنان نیز عمل وقف را انجام می‌دادند که در نوع خود تاثیرگذار بود. اهداف و زمینه‌های رایج وقف زنان دارای گستردگی بسیاری بود که می‌توان به اهم آن اشاره کرد:



۳-۱. امور مذهبی و خیریه:

- تعمیر و نگهداری اماکن مقدس: کمک به تعمیر مساجد، امامزاده‌ها و تکایا.
- تأمین هزینه‌های مراسم مذهبی: وقف برای برگزاری مراسم عزاداری محرم، سوگواری ائمه، روزه‌خوانی و افطاری در ماه رمضان.
- حمایت از فقرا و یتیمان: تأمین هزینه غذا، پوشاک و کمک‌های نقدی برای نیازمندان، به‌ویژه زنان و کودکان بی‌بضاعت.

در واقع می‌توان اذعان نمود که وقف زنان در دوره قاجار فراتر از یک عمل مذهبی صرف بود. این اقدامات نشان می‌دهد که زنان فاعلان اجتماعی فعالی بودند که از منابع در دسترس‌شان برای شکل دهی به محیط اطراف و پاسخگویی به نیازهای جامعه (به‌ویژه نیازهای زنان) استفاده می‌کردند. علاوه بر آن در چارچوب‌های موجود (مالکیت، قانون شرع) راه‌هایی را برای نفوذ و استقلال نسبی می‌یافتند و نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های شهری و تأمین رفاه اجتماعی داشتند. زنان دوره قاجار میراثی ناملموس (سنت خیریه) از خود به جای گذاشتند که بخشی از هویت فرهنگی ایران محسوب می‌شود. بدین ترتیب براساس اسناد تاریخی، زنان قاجار باوجود حضور در حرمسراها و محدودیت‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از حقوق مالکیت و استفاده هوشمندانه از ابزار وقف، نه تنها نام خود را در تاریخ جاودانه ساختند بلکه نقشی بنیادین در ساختار اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ایفا کردند. در دوره قاجار، زنان نقش مهمی در وقف املاک برای عزاداری سیدالشهدا (ع) داشتند. این اقدامات نه تنها نشان دهنده ایمان عمیق مذهبی آنان بود، بلکه ابزاری برای حضور اجتماعی و تأثیرگذاری در فضایی بود که امکانات محدودی برای مشارکت عمومی زنان وجود داشت. بنابراین موقوفات آن‌ها - از حمام‌های عمومی گرفته تا حمایت از فقرا و پشتیبانی از مراسم دینی - نشان‌دهنده تأثیر پنهان اما مهم زنان آن دوره است. بررسی این وقف‌نامه‌ها دریچه‌ای ارزشمند به دنیای پیچیده و پویای زنان در تاریخ ایران می‌گشاید و می‌تواند زوایای ناشناخته‌ای از تاریخ اجتماعی را روشن سازد.

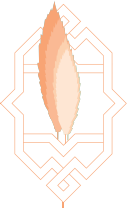
۴. وقف نامه ملک دختر میرزا صادق منجم باشی

۴-۱. مشخصات وقفنامه

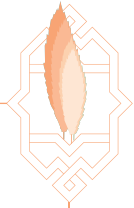
عنوان	وقف ملک از سوی دختر میرزا صادق منجم باشی جهت تعزیه داری
زبان نسخه	فارسی
دوره ایجاد	۱۲۲۷ ق
مشخصات ظاهری	۱ برگ

۴-۲. بازخوانی وقف نامه

«الحمد لله الواقف علی ما فی قلوب العباد و الصلوه علی محمد و اله ذوی الرشاد و لعنه الله علی اعدائهم الی قوم الشتاد و بعد نظر بمضمون ما عندکم ینفد و ما عنده الله باق حاضر گردید عالیجناب مقدس القاب حول و معارف الکتاب (ناخوانا) حاجی میرزا طهرانی نایب الوکاله علی (ناخوانا) عصمت و عقیل سازین مسمور است خانم کوچک جلیله زوج حاجی میرزا صادق منجم باشی و زوجه عالیجناب طائف (ناخوانا) بیت الحرام حاجی آقا بزرگ رشتی و تقربا الی الله و طلب لمرضاته و کاله موکلته وقف موید صحیح شرعی و حبس مخلد صریح اسلامی نموده همگی و تمامی موازی کل یک باب حوالی واقع در محله گرده حسام الدین که محدود است به حوالی حاجی علی خراط و بحوالی آقا حسین و بحوالی آقا باقر مردی و بحوالی ورثه کربلایی محمد هراتی متعلق به (ناخوانا) از عالیجناب ملا علی وکاله برای موکل خود خریده بر سر کار جناب سید الشهداء و خامس آل عبا ابا عبدالله الحسین علیه سلام که هر هفته روز دوشنبه و جمعه مجلس تعزیت حضرت امام حسین و سایر ائمه معصومین علیهم السلام خوانده شود و هر روز ساکن آن خانه به شرط امکان زیارت بجهه واقفه و والدین و همشیره او کرده ثواب زیارت قربت نماید و تولیت مفوض است عالیجناب عمده العلماء المحققین و زیده الفضلاء المدقین و مجد باولاد ذکور ایشان نسلا بعد نسل و عقباً بعد عقب و هرگاه ضرر نخواستہ اولاد ذکور منقرض شوند بااعلم علما فهذ مقدس خواهد بود و در ضمن عقد شرط که فاطمه بیگم عرب روضه خوان مادام العمر هرگاه در مشهد مقدس در حوالی ساکن بود هفته دو روز تعزیه میکرد و هرگاه فوت نماید و اولاد او قایل مراتب تعزیه داری باشند ساکن گردد و هرگاه قابل نباشد یا در مشهد مقدس ننمایند اختیار با متولی است که هرکس را قابل داند مسکون نماید که به



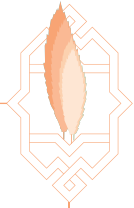
شرایط وقف عمل نماید و بعد از تعزیه فاتحه بجهه واقفه و وکیل او بخوانند و وکیل حوالی را از ملکیت اخراج بتصرف موقوف علیها و (ناخوانا) سیغه نمود فمن بدله بعد سمعه فانها ائمه علی الذین بیدلونه تحریراً فی ۴ شهر سوال المکرم سنه ۱۲۲۷ « (ساکما، ۱۹۷۳۴/۲۹۶: ۱) این وقفنامه، که متنی ترکیبی از زبان عربی و فارسی را داراست، به وقف املاک برای اهداف مذهبی و اجتماعی اختصاص یافته است. بر اساس این سند، همسر حاجی میرزا صادق منجم باشی و همسر حاجی آقا بزرگ رشتی تصمیم گرفته‌اند بخشی از املاک خود در مشهد را وقف برگزاری مجالس تعزیه برای بزرگداشت امام حسین و سایر ائمه معصومین کنند. گرچه موقعیت عمومی املاک در مشهد ذکر شده، اما جزئیات دقیق یا آدرس مشخص آن در وقفنامه بیان نشده است؛ با این حال استفاده از کلمه "مشهد" تأیید می‌کند که این املاک در شهر مشهد قرار دارند. شرایط وقف شامل جزئیات ویژه‌ای است؛ از جمله برگزاری مراسم دو بار در هفته، در روزهای دوشنبه و جمعه، و فراهم کردن امکانات زیارت برای ساکنان. اداره امور وقف به گروهی از علما و محققین واگذار شده است که سپس به فرزندان ذکور همان نسل منتقل می‌شود. در صورتی که فرزندان ذکور منقرض شوند، تولیت به عالم‌ترین علما سپرده خواهد شد. همچنین، فردی به نام فاطمه بیگم عرب به‌عنوان روضه‌خوان مادام‌العمر تعیین شده است؛ اما اگر وی فوت کند یا فرزندانش نتوانند شرایط وقف را حفظ کنند، متولی حق انتخاب فرد جایگزین را خواهد داشت. سند مذکور توسط گواهان متعدد با مهر تأیید شده، که اعتبار آن را تثبیت می‌کند. از منظر تاریخی و مذهبی، این سند اهمیت بسیاری دارد و منعکس‌کننده دیدگاه ویژه‌ای نسبت به نهاد وقف در آن برهه زمانی است، با تأکید بر جنبه‌های شرعی، ارزشی و اجتماعی. تاریخ تنظیم وقفنامه به سال ۱۲۲۷ هجری قمری بازمی‌گردد، که این موضوع اهمیت زمانی و تاریخی سند را برجسته می‌کند.



۵. نقش و تاثیر وقفنامه‌های مذهبی در گسترش فرهنگ عزاداری

وقف در اصطلاح فقها، عبارت از عقدی است که ثمره آن، حبس اصل و تسبیل منافع است، یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است (حائری یزدی، ۱۳۸۰: ۲۰). برای وقف می‌توان تقسیمات متعددی قائل شد؛ وقف به اعتبار موقوف علیه به عام و خاص تقسیم می‌شود. وقف عام وقفی است که مقصود از آن امور خیریه است و مخصوص دسته و طبقه معینی نیست مانند وقف بر فقرا، وقف بر طلاب و مدارس و مساجد. مقابل آن وقف خاص است و آن وقفی است مخصوص دسته معین و خاصی است مانند وقف بر اولاد یا افراد و یا طبقه ای خاص از مردم (دهخدا، ۱۳۵۴: ذیل وقف). وقفنامه‌های مذهبی در جوامع اسلامی کارکردهای متنوعی داشتند که شامل جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌شد. این وقفنامه‌ها به‌عنوان ابزاری برای حفظ و گسترش ارزش‌های اسلامی، تأمین نیازهای اجتماعی، و ارتقای رفاه عمومی به‌کار می‌رفتند. البته باید اشاره نمود که وقف به‌عنوان یک عمل خیرخواهانه و عام‌المنفعه، به تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انسجام و همبستگی بین افراد جامعه کمک می‌کرد. بسیاری از وقفنامه‌های موجود مربوط به عزاداری اهل‌البیت علیهم‌السلام است که در نوع خود در گسترش فرهنگ عزاداری نقش به‌سزایی دارند. مفهوم عزاداری در لغت به معنای سوگواری، زاری، عزاپرستی، اشتغال به سوگ، مصیبت و تعزیت است (دهخدا، ۱۳۵۴: ذیل عزاداری). عزاداری به مجموعه‌ای از مراسم و آیین‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف ابراز سوگواری و اندوه برای درگذشتگان، به‌ویژه امامان شیعه و شخصیت‌های مذهبی، برگزار می‌گردد. این مراسم غالباً شامل نوحه‌خوانی، سینه‌زنی، زنجیرزنی، تعزیه‌خوانی، ذکر مصیبت و روضه‌خوانی است. از جمله مظاهر مهم عزاداری در جوامع شیعی، به خصوص در ایران، وقفنامه‌های مربوط به سیدالشهدا علیه‌السلام هستند. این وقفنامه‌ها با هدف ایجاد پشتوانه مالی پایدار برای برگزاری مراسم عزاداری، حفظ اماکن مذهبی مرتبط و ترویج فرهنگ عاشورا در دوره‌های مختلف تاریخی تنظیم شده‌اند. در دوره قاجار موقوفاتی با کارکردهای متنوع شکل گرفته‌اند که در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نقش مهمی ایفا کردند. بررسی وقفنامه‌های موجود و برجای مانده چنین مستفاد می‌شود که بیشترین انگیزه وقف در این دوران، مسائل مذهبی بوده است و بخشی از موقوفات به عزاداری ائمه اطهار علیهم‌السلام و به‌خصوص امام حسین علیه‌السلام اختصاص

یافته است (شهیدی، ۱۴۰۰: مقدمه). زنان در تاریخ ایران، به‌عنوان گروهی در نظر گرفته می‌شدند که جایگاه و نقش آن‌ها غالباً محدود به عرصه خصوصی خانواده و خانه داری با تأکید بر وظیفه شوهرداری، فرزندآوری و فرزندپروری بوده است. در کنار موارد فوق در برهه‌هایی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش آفرینی‌هایی هرچند جزئی و کوتاه داشتند. در دوره قاجار، همانند سایر ادوار تاریخ ایران، زنان ایرانی به ایفای نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز پرداختند که مصداق بارز آن حضور و مشارکت در عرصه وقف است (آریان فر و نوروزی، ۱۴۰۲: ۱۶۶). بدین ترتیب در دوران قاجار، زنان نقش مهمی در توسعه فرهنگ وقف ایفا کردند؛ نمود این مشارکت را می‌توان در اسناد و مدارک آرشیوی و به‌ویژه وقفنامه‌ها مشاهده کرد. حضور زنان در این عرصه فراتر از یک عمل مذهبی ساده بوده و تأثیری قابل توجه بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشته است. در واقع می‌توان گفت که برپایی مراسم عزاداری با تکیه بر وقفنامه‌ها دارای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند در بعد فردی و از زاویه سلامت روحی و معنوی برکاتی دارد (آبیار، ۱۴۰۱: ۸۵). این وقفنامه‌ها نه تنها به گسترش فرهنگ عزاداری کمک کردند، بلکه تأثیرات اجتماعی چشمگیری نیز به همراه داشتند. از طریق این اقدامات، منابع مالی مطمئن و پایداری برای ادامه مراسم عزاداری فراهم شد که به کاهش تأثیر نوسانات اقتصادی انجامید. در کنار این مسئله، شعائر مذهبی عمق بیشتری پیدا کردند و نیت خالص واقفان خیراندیش تبدیل به صدقه جاریه‌ای شد که حتی پس از وفات آنان نیز باقی مانده و ادامه دارد. علاوه بر جنبه‌های مذهبی، وقف‌های مرتبط با عزاداری نقش ارزنده‌ای در تثبیت انسجام اجتماعی داشتند. این اقدامات که غالباً از سوی مردم و برای جامعه محلی شکل می‌گرفتند، موجب تقویت روابط اجتماعی و افزایش همبستگی جامعه شدند.

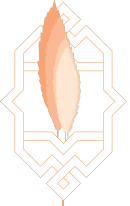


نتیجه گیری

وقف زمین یا ملک برای برگزاری عزاداری امامان معصوم علیهم السلام در طول تاریخ، سنتی دیرینه است که به طور مؤثر پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده است. این نوع وقف چندین کارکرد مهم برای جامعه دارد؛ نه تنها فضایی اختصاصی برای سوگواری، تأمل و تکریم ارزش‌های مذهبی فراهم می‌کند، بلکه حس همبستگی و تجربه مشترک میان عزاداران را نیز تقویت می‌نماید. چنین مکان‌هایی غالباً به نشانه‌های فرهنگی یا تاریخی تبدیل شده و نقش مهمی در حفظ هویت جمعی و حافظه تاریخی جامعه ایفا می‌کنند. مفهوم وقف زمین برای عزاداری ریشه‌های عمیق تاریخی دارد و با اعمال فرهنگی و مذهبی پیرامون سنت یادبود ارتباطی جدایی‌ناپذیر دارد. این عمل، نه فقط یک آیین مذهبی، بلکه یکی از جنبه‌های برجسته هویت فرهنگی جامعه به شمار می‌رود که موجب تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. در دوران قاجار (قرن ۱۲ تا ۱۴ هجری خورشیدی/۱۹ تا اوایل ۲۰ میلادی)، زنان در سنت وقف نقش برجسته‌ای ایفا کردند. این اقدامات، اغلب خارج از دید تاریخ‌نگاری رسمی، نشان‌دهنده عاملیت، حضور اجتماعی و بُعد معنوی زنان در جامعه‌ای است که عمدتاً تحت سلطه مردان قرار داشت. زنان قاجار، علی‌رغم محدودیت‌های موجود، از طریق وقف املاک راهی برای تأثیرگذاری اجتماعی، تأمین نیازهای مذهبی مردم و جاودانه ساختن نام خود یافتند. نمونه‌ای از این اقدامات ارزشمند در وقف‌نامه ملک دختر میرزا صادق منجم‌باشی مشاهده می‌شود. وی بخشی از املاک خود را با هدف برگزاری مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و دیگر امامان معصوم وقف کرده بود، البته بر اساس شروطی که تعیین کرده بود. این فعالیت‌ها، علاوه بر نمایش ایمان مذهبی عمیق زنان، ابزاری قدرتمند برای مشارکت اجتماعی آنان بود. در جامعه‌ای که فرصت‌های اندکی برای فعالیت عمومی زنان وجود داشت، وقف زمین به مثابه کانالی مؤثر برای ایجاد تأثیر اجتماعی و مشارکت در امور مهم فرهنگی و مذهبی عمل می‌کرد.

کتاب نامه

- افرافر، مرضیه (۱۳۹۵). «بررسی عملکرد زنان واقف و تاثیر فعالیت آنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی: مطالعه موردی زنان واقف تهران»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، استاد راهنما الهام ملک زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امیدبانی، سید حسین (۱۳۸۰). *نقش وقف در فرایند توسعه*، تهران: هجرت.
- آبیاری، زهرا (۱۴۰۱). «تأثیر وقف و نذورات بر سلامت معنوی (مورد مطالعه عزاداری امام حسین علیه السلام)»، *فصل نامه وقف میراث جاویدان*، ۳۰ (۱۳۱)، صص: ۴۴-۶۰.
- بیات، عزیزالله (۱۳۸۸). *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*، امیرکبیر: تهران.
- حائری یزدی، محمدحسن (۱۳۸۰). *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصادی اسلامی*، مشهد: آستان قدس..
- خوانساری، محمدمبین (۱۴۰۱). «ارزیابی دوگانه چالش میان تصدی گری یا نظارت و هدایت گری در حوزه مدیریت»، *وقف میراث جاویدان*، سال ۳۰، شماره ۱۲۰، صص: ۶-۲۵.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۴). *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- شاطری، مفید، آرزومندان، راضیه (۱۳۹۱). «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی شهرستان های بیرجند، درمیان، سربیشه)»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۵-۲۳.
- شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۰). «سنجش تطبیقی وقف طی دوره های قاجاریه و پهلوی»، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۲۵، صص: ۱۷-۳۸.
- شاه حسینی، پروانه، معیری، هاله (۱۳۹۸). *زنان و وقف* (نمونه موردی: شهر تهران در دوره های قاجاریه و پهلوی). *جغرافیا*، ۱۷ (۶۰)، صص: ۱۴۹-۱۶۵.
- شکوری، علی (۱۳۹۰). *مشارکت های اجتماعی و سازمان های حمایتی (با تاکید بر ایران)*، تهران: سمت.
- شهیدی، حمیده (۱۴۰۰). *وقف نامه منیرالسلطنه* (سندی ماندگار از زنان واقف دوره قاجار)، تهران: استناد.
- فردیاری، مهرداد (۱۳۹۶). «بررسی سند پیشگویی تاریخ پایان جنگ+ جهانی اول نوشته عبدالعلی نجم الدوله تبریزی و معرفی او»، *مجله تاریخ علم*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص: ۸۱-۱۰۶.
- مرادعلیان، لیلا (۱۳۹۵). «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه»، *فصل نامه آرشئو ملی*، سال ۲، شماره ۳، صص: ۲۴۱-۱۰۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *حقوق مدنی عقود معین عطایا*، تهران: گنج دانش.
- گلی پور، مریم (۱۳۹۱). «نهاد وقف در گیلان دوره قاجار»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، استاد راهنما: نزهت احمدی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه الزهرا.



- ماهروی، ابوالحسن (۱۴۰۲). **نهادینه سازی وقف در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی**، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.
- محمدی، محمود (۱۳۷۹). «تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی برنامه ریزی فضایی - کالبدی»، **میراث جاویدان**، ۸ (۳۰). صص: ۹۴-۱۰۵.
- منافی شرف آباد، کاظم و دیگران (۱۳۹۳). جایگاه سنت حسنه وقف در فرهنگ اسلامی با تامل بر قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام، **فصل‌نامه مهندسی فرهنگی**، ۹ (۸۱)، صص: ۶۰-۷۸.
- مولایی، محمد، مجد، امید (۱۴۰۱). «فرهنگ وقف در نیشابور»، **وقف میراث جاویدان**، ۳۰ (۱۲۰)، صص: ۴۹-۶۶.
- نوروزی، جمشید و همکاران (۱۴۰۲). ویژگی‌ها و مصارف موقوفات زنان ساری و بارفروش در دوره قاجار، **گنجینه اسناد**، ۳۳ (۱۳۰)، صص: ۷۵-۱۰۰.